



حادثه در حاشیه

مرگ پسر جوان در تصادف پرشیا

تصادف یک دستگاه پژو پرشیا در بزرگراه آزادگان منجر به مرگ پسر جوان شد.

سید جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این باره گفت:



ساعت ۲۲ دقیقه بامداد حادثه تصادف در مسیر شرق به غرب بزرگراه آزادگان مقابل ورودی شهید رجایی به سامانه ۱۲۵ اعلام شد. وقتی مأموران ۲ ایستگاه آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند یک دستگاه خودرو سواری پرشیا را دیدند که بشدت آسیب دیده بود. این خودرو هنگام حرکت به دلایل نامشخص ابتدا با یک دستگاه وانت برخورد کرده و سپس به سمت گاردیل‌های کناری رفته و پس از برخورد با دیواره‌های بتونی بزرگراه در محل متوقف شده بود.

ملکی با بیان اینکه به دلیل شدت برخورد قسمت جلویی خودرو کاملاً تخریب شده بود، گفت: آتش نشانان وارد عملیات نجات شدند و در ابتدا یک خانم حدود ۲۰ ساله را که بشدت مصدوم شده بود تحویل عوامل اورژانس دادند و همچنین یک پسر ۲۳ ساله نیز از داخل خودرو خارج شد که به تأیید عوامل اورژانس جان باخته بود. علت این تصادف مرگبار از سوی کارشناسان پلیس راهور در حال بررسی است.

حوادث جهان

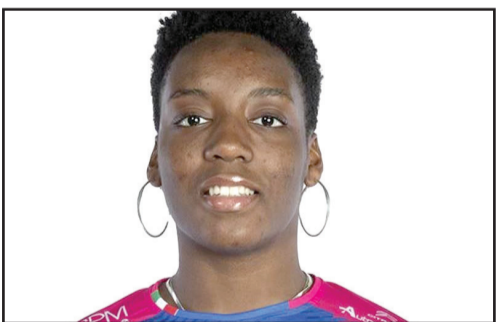
ریزش پل در کشمیر



مقامات محلی کشمیر هند از حادثه ریزش یک پل روی رودخانه به دلیل ازدحام جمعیت و مرگ یک دختر بچه ۱۰ ساله و مصدوم شدن ده‌ها نفر دیگر در این حادثه خبر دادند.

به گزارش فاکس نیوز، این حادثه روز جمعه در حالی رخ داد که بیش از ۱۰۰ نفر برای شرکت در یک مراسم سنتی به این منطقه رفته بودند و ازدحام جمعیت روی این پل عابر پیاده، منجر به ریزش آن شد که در این حادثه دست‌کم ۷۰ نفر زخمی شدند.

مرگ والیبالیست ایتالیایی



مرگ بازیکن ۱۸ ساله باشگاه والیبالیست زنان ایگور گورگونزولا نوارا شوک بزرگی به جامعه ایتالیا وارد کرد.

طبق اعلام رسانه‌های ایتالیایی، جولیا ایتوما پس از بازی تیمش در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا از پنجره هتل در استانبول پایین افتاد.

به گزارش پلست لهستان، آن‌طور که رسانه‌های ایتالیایی و ترکیه‌ای گزارش دادند، جولیا ایتوما به هم تیمی‌ها و مربی خود گفت که احساس بدی دارد. او در چت واتس‌آپ تیم هم نوشته بود «خداحافظ». پس از این پیام، او از طبقه ششم اتاق هتلش در استانبول به پایین سقوط کرد.

ورد آف والی، رسانه اروپایی والیبالیست جهان هم در این خصوص نوشت: هنوز مشخص نیست که چه چیزی باعث مرگ او شده است اما مشخص است که این اتفاق چند ساعت پس از مسابقه رخ داد. این تیم برای بازی برگشت مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا به استانبول سفر کرده بود که با نتیجه ۳ بر صفر مغلوب اکزاکیباسی شد.

سرقت حساب بانکی

با کارت ملی مسروقه



مرضیه همایونی / ۲ برادر با تشکیل باند سرقت و جعل مدارک حساب بانکی مالباخته‌ها را خالی می‌کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سرهنگ علی ولیپور گودرزی رئیس پلیس آگاهی پایتخت، از دستگیری ۵ مرد که اقدام به سرقت و کلاهبرداری می‌کردند، خبر داد و گفت: اعضای این باند با شناسایی خودروهای گرانتقیمت اقدام به سرقت لوازم داخل آن می‌کردند. آنها مدارکی را که داخل خودروها بود نیز سرقت کرده و با این مدارک اقدام به جعل و افتتاح حساب‌های بانکی کرده و مبالغی را از این طریق بدست می‌آوردند. متهمان به ده‌ها فقره سرقت که ارزش ریالی آنها بیش از ۵۰۰ میلیون تومان است اعتراف کردند. تحقیقات برای شناسایی سایر جرایم احتمالی این باند ادامه دارد.

گودرزی در ادامه گفت: همچنین کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی پایتخت موفق به دستگیری متهمی شدند که در مقابل عابربانک‌ها به سراغ مردان و زنان کهنسال می‌رفت. متهم به بهانه کمک در انجام تراکنش‌های

برادرم، کارت ملی جعل می‌کردیم یا اینکه کسی را گریه کرده و به بانک می‌فرستادم تا با کارت ملی مالباخته حسابش را خالی کند و بعد هم پول‌ها را به ارز دیجیتال تبدیل می‌کردم. ایده این سرقت چطور به ذهن رسید؟ من از کودکی نابغه ریاضی بودم، اما از بد روزگار خلافاکرا شدیم. برادرت هم در این کارها کمک می‌کرد؟ او در کار جعل بود و مدارک جعلی درست می‌کرد، مثلاً نسخه جعلی دارو برای فروش دارو در بازار آزاد یا فاکتور خرید دوچرخه و...

کارت‌های دیگری را که به نام شاکی بود هم پیدا می‌کردم بعد شماره تلفن اصلی مالباخته را بدست می‌آوردم و از طریق همان اپلیکیشن، اقدام به سوزاندن سیم کارت او می‌کردم و به این بهانه که سیم کارت به سرقت رفته، سیم کارت المثنی با همان کارت ملی می‌گرفتم. با این روش دیگر پیامک‌های بانکی مالباخته به سیم کارتی که به دست من آمده بود می‌آمد. من از طریق پیامک متوجه می‌شدم که مالباخته در چه بانکی حساب دارد و چه مقدار پول در حسابش است. در این مرحله یا با کمک

هم سرقت می‌کنند. این مدارک را به من که کارهای حساب بانکی انجام می‌دهم می‌رسانند. البته همیشه از این طریق مدارک را بدست نمی‌آوردم، شما می‌توانید صبح اول وقت به دفاتر پستی اصلی بروید، مردم مدارکی را که پیدا کرده‌اند روی در پست می‌گذارند و می‌توانی مدارک را از آنجا برداری. با مدارک چه کار می‌کردی؟ اول از همه یک سیم کارت جدید به نام مالباخته و با مدارک مالباخته می‌خریدم. به محض فعال کردن سیم کارت وارد اپلیکیشن می‌شدم و سیم

کفش‌های مقتول

سرنخ دستگیری متهم شد

گروه حوادث / پیدا شدن کفش‌های مقتول در دست مرد کارتن‌خواب سرنخ مهمی برای افشای راز این قتل به پلیس داد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۹ بهمن سال گذشته، مرد جوانی با مراجعه به اداره آگاهی از ناپدید شدن پدر میانسالش خبر داد: پدرم بعد از بازنشستگی، به عنوان کارمند حراست یک شرکت در غرب تهران مشغول به کار شده بود. هر روز ساعت ۵ و نیم صبح از خانه خارج می‌شد تا به محل کارش برود. صبح روز گذشته هم خانه را ترک کرد، اما دیگر خبری از او نشد. با این احتمال که برای پدرم اتفاقی رخ داده باشد، مسیری که او هر روز می‌رفت را به جست و جو پرداختیم تا اینکه در پارکی که در مسیر تردد پدرم بود، ناگهان کفش‌های پدرم را دست یک مرد کارتن‌خواب دیدم.

جسدی در کانال

با شکایت مرد جوان، کارآگاهان راهی پارک شده و مرد کارتن‌خواب بازداشت شد. در حالی که تحقیقات برای یافتن ردی از مرد میانسال ادامه داشت، کارگران شهرداری متوجه جسدی داخل کانال آب در غرب تهران شدند.

جسد به دستور بازپرس محمد جواد شفیعی به پزشکی قانونی منتقل و مشخص شد متعلق به مرد گمشده است.

در ادامه تحقیقات مرد کارتن‌خواب سرنخ اصلی را به کارآگاهان داد و گفت: روز حادثه داخل پارک بودم که مرد میانسال از آنجا عبور کرد. در همین حین یکی از موادفروشان به همراه دوستش سوار بر خودروی پژو در مقابل او توقف کرده و برای سرقت اموال، مرد میانسال را با زور سوار خودرو کردند. مرد موادفروش به نام هوشنگ زمانی که متوجه من شد؛ به سراغم آمد و اسلحه را روی گردنم قرار داد و تهدید کرد که اگر حرفی بزنم مرا خواهد کشت. بعد هم به همراه او از محل متواری شدند و من کفش‌های او را که در این آدم‌ربایی از پایش درآمده بود برای خودم برداشتم.

به دنبال اظهارات مرد کارتن‌خواب، کارآگاهان هویت هوشنگ را شناسایی کرده و زمانی که برای دستگیری او وارد عمل شدند، دریافتند که او دو روز قبل توسط پلیس مواد مخدر بازداشت شده است. کارآگاهان به همراه مرد کارتن‌خواب به پلیس مواد مخدر رفته و مرد کارتن‌خواب، هوشنگ را در میان معاندان و موادفروشان دستگیر شده شناسایی کرد.

با شناسایی هوشنگ، متهم به اداره آگاهی منتقل شد اما در تحقیقات منکر ماجرای ربودن مرد میانسال شد. به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات برای رازگشایی از سرنوشت مرگبار مرد میانسال ادامه دارد.

قاتل دختر عمو در یک قدمی چوبه دار



رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

ادعای تازه متهم در جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه وکیل اولیای دم از طرف پدر و مادر مقتول درخواست قصاص متهم را مطرح کردند. سپس متهم به جایگاه رفت و ضمن رد اتهاماتش گفت: من تا سوم راهنمایی بیشتر درس نخوانده بودم. وقتی با نادیا صیغه کردیم با تشویق‌های او درس خواندم و لیسانس حقوق گرفتم و او هم به دنبال کارهای پایان نامه فوق لیسانسش بود. آن روز به رودهن رفتیم تا مسکن مهرش را بفروشند و با پول آن دفتر وکالت تأسیس کنیم اما به یکباره زیر حرف‌هایش زد و ناپدید شد. من از او خبر ندارم.

متهم گفت: من به عنوان شغل دوم مسافراکشی می‌کنم و ممکن است تلفن همراهم در نقاط مختلفی آنتن‌دهی داشته و اینکه شاید نادیا آن روز تلفنش را در رودهن گم کرده باشد.

قاضی پرسید: مگر نادیا همسرت نبوده چرا از دوم تا شانزدهم بهمن که او ناپدید شده بود به پلیس چیزی نگفتی و پیگیریش نبود؟

متهم عنوان کرد: نادیا زن صیغه‌ای‌ام بود و نمی‌توانستم هرروز پیگیر او باشم.

پس از اظهارات متهم و وکیل او، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده مهران را به قصاص محکوم کردند.

با اعتراض متهم به حکم پرونده برای بررسی بیشتر به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان بعد از بررسی موشکافانه حکم صادره از سوی قضات دادگاه کیفری را تأیید کردند و متهم در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

کامران علمدهی / حکم قصاص مرد متأهلی که دخترعمویش را به قتل رسانده از سوی قضات دیوان عالی کشور تأیید و قطعی شد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از نیمه بهمن سال ۱۳۹۷ با مراجعه و شکایت زن جوانی که مدعی بود خواهر کوچکش به نام نادیا ناپدید شده آغاز شد.

وی در تشریح ماجرا گفت: خواهرم در خیابان آذربایجان به تنهایی زندگی می‌کند اما چند روزی است که هیچ خبری از او نیست.

در بررسی‌های مشخص شد که نادیا از چندی قبل با مهران پسرعموی خود در ارتباط بوده است.

با این شکایت، مأموران تحقیقات خود را پی گرفتند و مشخص شد اوایل بهمن تلفن او در منطقه رودهن آنتن‌دهی داشته و در همان بازه زمانی تلفن همراه پسرعموی او هم در آن منطقه آنتن داشته است. به این ترتیب مهران که متأهل و صاحب فرزند بود، بازداشت شد. او در ابتدا سعی داشت خودش را بی‌اطلاع از ماجرا نشان دهد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت به ناچار به قتل

دخترعمویش اعتراف کرد و گفت: ۱۰ سال قبل من نادیا باهم صیغه کردیم و زندگی پنهانی داشتیم، تا اینکه روز حادثه برای تفریح به رودهن رفته بودیم که با هم درگیر شدیم. او را کشتیم و جسدش را پس از مثله کردن در سطال‌های زباله اطراف محل قتل انداختیم و به خانه برگشتم.

بعد از اعتراف‌های متهم، مأموران به محل درگیری رفتند اما ردی از جسد مقتول پیدا نکردند. با این حال برای مهران به اتهام قتل نادیا، جنایت بر میت و اخفای ادله جرم، کیفرخواست صادر و پرونده برای